

جستاری در فرودهای امثال و حکم دهخدا

دکتر محمد جواد شریعت *

علیرضا غلامی بادی **

چکیده

نخستین فرهنگ جامع و بزرگ در زمینه امثال فارسی در سال ۱۳۱۰ تحت عنوان «امثال و حکم» توسط ادیب و دانشمند بزرگ معاصر، علی اکبر دهخدا، تالیف شده که می توان آن را کامل ترین، معتبرترین فرهنگ با موضوعیت امثال و حکم فارسی دانست، این اثر پس از انتشار، نظر ادبا و محققان را به خود جلب نموده، شور و شوقی در بین علاقه‌مندان به ادبیات عامه به وجود آورد، به طوری که عده‌ای از فضلا و دانشمندان را واداشت تا به ضبط و ثبت امثال بپردازند، لیکن پس از فروکش کردن این هیجانات در طی سال‌های پس از آن، برخی زوایای این اثر را مورد واکاوی قرار داده، مسائلی چون: آوردن مثل‌های مربوط به اقوام به قصد برتری قوم ایرانی، عدم ترجمه و اعراب حکمت‌های و مثل‌های عربی، کثرت اشعار نامرتب با امثال، ذکر مثل‌های غیر مشهور، نداشتن پیش‌گفتار و مقدمه، عدم ضبط واژه‌ها و مثل‌های مستهجن و... به عنوان معایب و کاستی‌ها بر شمرده‌اند، در این جستار سعی گردیده دیدگاه‌هایی درباره این اثر گران سنگ تحت عنوان فرودهای امثال و حکم مورد بررسی قرار گیرد.

واژه‌های کلیدی

فرود، امثال، حکم

* دانشگاه آزاد اسلامی، واحد نجف آباد، گروه زبان و ادبیات فارسی، ایران، نجف‌آباد.

** دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی نجف آباد.

مقدمه

در سال ۱۳۰۸ اولین جلد بزرگ‌ترین «امثال و حکم» به دست توانای نویسنده، شاعر، فرهنگ‌نگار، سیاست‌مدار بزرگ ایرانی، علامه علی اکبر دهخدا، منتشر شد که چند سال بعد از آن به چهار جلد رسید، این اثر بزرگ و جامع و کامل، حدود سی هزار مدخل دارد که شامل امثال، حکم، زبان‌زدها، کنایات، امثال عربی، اصطلاحات، اشعار معروف و جملات مشهور از نویسندگان و شاعران فارسی زبان می‌باشد، از این بین شاید کمتر از ده هزار مدخل این مجموعه را بتوان مثل یا شبه مثل دانست. (ذوالفقاری، ۱۳۸۲: ۶۵) برخی این تعداد را شش هزار می‌دانند که سه هزار آن گردآوری خود اوست. (ابریشمی، ۱۳۷۶: ۳۰) در خلال این امثال به داستان ۱۸۱ مثل هم اشاره شده است، ذیل مدخل‌ها به حدود ده هزار مثل، حکمت، کنایه، اصطلاح و دوازده هزار شعر شاعران به عنوان نظیر و نمونه استناد شده است. (دبیر سیاقی، ۱۳۶۸: ۲۰۱) قریب هزار مدخل نیز احادیث و امثال عربی است که یا به عنوان مدخل مستقل ضبط شده یا به عنوان شاهد. (ذوالفقاری، ۱۳۸۲: ۶۷)

از ویژگی‌های بارز این مجموعه، ذکر منابع مختلفی است که مورد استفاده قرار گرفته است از جمله امثال طبع هند، مثل‌های هبله رودی و نظایر آن، این عمل نشان از صداقت و امانت‌داری در امر پژوهش است که ارزش کار او را دو چندان می‌کند.

از فرازهای امثال و حکم سخن گفتن، آب در هاون کوییدن است، چون کاری که دهخدا به آن دست یازید آن چنان شگفتی ادبی ایجاد کرد که اثرات ناشی از آن و زحمات طاقت‌فرسای آن بر کسی پوشیده نیست، یافتن عبارات و اصطلاحات از لابه‌لای متن‌های دشوار و نسخه‌های خطی و غیر قابل خوانش و ضبط و ثبت آن‌ها کاری نیست که از همگان برآید. پس از فرازها که بگذریم ایجاب می‌کند، سخن را از فرودها پی‌بگیریم، یعنی آنچه به زعم برخی معایب کار او محسوب می‌گردد.

مقدمه هر اثر، بیان‌گر نمای کلی آن و چکیده تراوش ذهن خالق آن اثر است، معمولاً نویسندگان ماهر و زبردست تمام همّت خود را صرف چیش وازها در مقدمه می‌نمایند، در حقیقت پیش‌گفتار باید چون عروس دلربا و بزک کرده‌ای باشد تا به انحای مختلف نگاه

تیزبین خوانندگان را مسحور خود کند، اما استاد بر این اثر چهار جلدی امثال و حکم که گنجینه مفصل و بی‌نظیر در نوع خود می‌باشد مقدمه یا پیش‌گفتاری که حاکی از تعریف مثل یا پیشینه تاریخی آن باشد تنظیم ننموده است. بالطبع طرح این مسأله به وسیله نقادان به ظاهر، کفه ترازو را به سوی خود چرب‌تر می‌نمایند، البته توجیه استاد در نوع خود شنیدنی است، ناشر امثال و حکم به نقل از مطالبی که دکتر محمد معین در مقدمه لغت‌نامه در باب نداشتن مقدمه نوشته است، چنین آورده: «اصولاً، استاد علامه در باب مقدمه کتاب‌های خود، احتیاطی عجیب مقرون به وسواس داشت. در پاسخ سوال نگارنده راجع به علت عدم تحریر مقدمه‌ای برای امثال و حکم اظهار داشت: «در زبان فرانسوی هفده لغت پیدا کرده‌ام که در فرهنگ‌های عربی و فارسی، همه آن‌ها را «مثل» ترجمه کرده‌اند و در فرهنگ‌های بزرگ فرانسوی، تعریف‌هایی که برای آن نوشته‌اند، مقنع نیست و نمی‌توان با آن تعریفات آن‌ها را از یک‌دیگر تمیز داد. ناگزیر توسط یکی از استادان فرانسوی دانشکده حقوق، نامه‌ای به فرهنگستان فرانسه نوشتم و اختلاف دقیق مفهوم آن هفده لغت را خواستار شدم، پاسخی که رسید تکرار مطالبی بود که در لغت‌های فرانسوی آمده بود و به هیچ وجه مرا اقناع نکرد. از این رو از نوشتن مقدمه و تعریف مثل و حکمت و غیره خودداری کردم و کتاب را بدون مقدمه منتشر ساختم.» (دهخدا، ۱۳۷۷: ۳۷۴). اگر چه بیان این سخنان از زبان استاد برجسته‌ای چون دهخدا برای هر شنونده‌ای می‌تواند قابل تامل باشد اما نیم‌نگاهی به داستان نامه بهمنیاری و مقدمه مفصل و نسبتاً کامل و جامع آن توقع را از دهخدا دو چندان می‌کند.

بهمن‌یار، مجموعه مثل خود را در سال ۱۳۰۴ به صورت نهایی تدوین نمود و مقدمه فاضلان‌های بر آن نگاشت چون یک سال قبل از او، دهخدا امثال و حکم خود را منتشر کرد، او از انتشار آن خودداری نمود و این کار تا سال ۱۳۶۱ به تأخیر افتاد و در این سال به کوشش فرزند استاد و به وسیله انتشارات دانشگاه تهران به طبع رسید. لذا این نکته قابل تامل است که دهخدا و بهمن‌یار با فاصله زمانی نزدیک به هم به تدوین اثر خود پرداخته‌اند ولی یکی با مقدمه‌ای نسبتاً مفصل و دیگری بدون مقدمه منتشر شده و در اختیار خوانندگان قرار گرفته است. دکتر معین در این مورد چنین می‌نگارد: «استاد فقید بهمن‌یار به نگارنده اظهار داشتند که

خود چند سال به تدوین امثال فارسی مشغول بودند و چون امثال و حکم دهخدا منتشر گردید از ادامه کار و طبع نوشته‌های خود صرف نظر نمودند. ولی بعدها یادداشت‌های خود را در تعریف « مثل » و تقسیم آن در مجله یغما، دوره‌های دوم و سوم چاپ کردند و می‌توان این سلسله مقالات را مدخل و مقدمه امثال و حکم دانست.» (دهخدا، ۱۳۷۷: ۳۷۵) به هر حال با ذکر هر گونه توجیهی باز هم خلاء مقدمه از تارک این اثر گران سنگ، هر روز بیش از پیش احساس می‌شود.

عدم ترجمه حکمت‌ها و مثل‌های عربی را می‌توان یکی دیگر از فرودهای امثال و حکم دانست، شاید بیش از هزار مثل و اصطلاحات مثل گونه عربی در این اثر عظیم آورده شده که یا از احادیث نبوی و یا از آیات قرآن و یا از مجمع‌الامثال میدانی و یا از امثال مشهور عربی است، هیچ یک از این موارد ذکر شده دارای اعراب و ترجمه فارسی نیست، بعضی از آن‌ها با رعایت نظم القبایی در لابه‌لای مثل‌های فارسی ضبط شده و پاره‌ای دیگر به عنوان معادل فارسی در کنار مثل مربوط آمده است. عدم ترجمه‌ها و اعراب امثال و حکم و عبارات عربی برای خوانندگان عامه، مشکلاتی به همراه داشته، خصوصاً هنگامی که صفحات متوالی عربی چشمان هر خواننده را به خستگی وا می‌دارد؛ به طور مثال از ص ۸۸ تا ۹۸، ص ۲۳۱ تا ۲۸۱، ص ۱۳۴۰ تا ۱۳۶۲ فقط واژه‌های عربی زینت‌بخش اوراق است، این مسأله در حالی رقم خورده که بهمن‌یار در مقدمه داستان‌نامه ادعا می‌کند که کتاب او اولین کتاب مثل فارسی است که به شیوه کتاب‌های مثل عربی تدوین گردیده، حال آن که از نقل مثل‌های عربی، حتی مثل‌هایی که زبان‌زد فارسی‌زبانان است امتناع نموده است و در سراسر کتاب او حتی یک مثل عربی هم (جز در حواشی) نمی‌توان یافت، توجه او صرفاً به فارسی معطوف بوده و او عمداً از ضبط مثل‌های عربی خودداری کرده است حال آن که رشته تدریس او در دانشگاه تهران زبان عربی و خود او از استادان مسلم این زبان بوده و در مقدمه کتاب خود تعداد زیادی مثل عربی را هم به مناسبت موضوع ذکر کرده است. (ابریشمی، ۱۳۷۶: ۳۱). قیاس امثال و حکم دهخدا و داستان‌نامه بهمن‌یاری از لحاظ کاربرد مثل‌ها و عبارات عربی خود بعضاً می‌تواند فرودهایی برای امثال و حکم در پی داشته باشد.

ذکر برخی امثال مربوط به اقوام به قصد برتری دادن به قوم ایرانی از جمله نکاتی است که برخی بر آن خرده گرفته و اوج آن را در این مثل دانسته‌اند: «اترک التروک و لو کان ابوک، ترک را ترک‌گوی هر چند پدر توست». (دهخدا، ۱۳۶۳: ۸۱).

در امثال و حکم، ابیاتی چند از شاعران مشهور چون فردوسی، اسدی، سنایی، ناصرخسرو، مغربی، عطار، و سوزنی ذکر گردیده که همگی به گونه‌ای قوم ایرانی را بر ترک برتری نهاده‌اند از جمله:

وفا ناید از ترک هرگز پدید ز ایرانیان جز وفا کس ندید
(اسدی)، (دهخدا، ۱۳۶۳، ص ۸۱)

کسی را ز ترکان نباشد خرد کز اندیشه خویش رامش برد
(فردوسی)، (همان)

ما خود از تو این چشم نداریم ازیراک ترکی تو و هرگز نبوده ترک وفادار
(سنایی)، (همان)

ترکان رهی و بنده من بوده‌اند من تن چگونه بنده ترکان کنم
(ناصرخسرو)، (همان)

جهان پر شور از آن دارد لب شیرین ترک من که ترکان دوست می‌دارند دائم شور و غوغا را
(مغربی)، (همان)

روی ترکان هست نازیبا و گست زرد و پر چین چون تریج آب خست
(علی فرقدی)، (همان)

بیان این‌گونه امثال و ابیات، نشان از صداقت و امانت‌داری دهخدا در ضبط و ثبت متون گذشته است، دهخدا تنها نقش گزارش‌گر را ایفا کرده و نمی‌توان بر او خرده گرفت و می‌توان چنین توجیه کرد واژه ترک، نمودی از انزجار ناشی از جنگ‌ها و رقابت‌های ایرانی و تورانی است، نیاکان ما نیز، همیشه از ترک‌های وحشی و نابودگر مدنیت‌های بشری به دیدگان نفرت و انزجار می‌نگریستند ماحصل آن میل و عاطفه میهن‌پرستی شاعران و نویسندگان پارسی‌گوی بود که مثل‌های ایرانی و بیزاری از ترک‌ها را در کتب خود ثبت کردند، افراد عامی و تیزهوشان جامعه نیز همراهی خود را با شاعران بزرگ و نامی در مثل‌های نشان داده‌اند از جمله: «ترک و

حدیث دوستی، قصه آب و آتش است.» (دهخدا، ۱۳۶۳: ۵۴۶)، «ترکی را به ده راه نمی‌دادند گفت: تیر و ترکش مرا به خانه کدخدا برید.» (همان)

دهخدا خود نیز به این موضوع توجه داشته‌اند برای این که باعث تکدر خاطر این قوم ایرانی نگردد این گونه مرقوم فرموده‌اند: «ناگفته نماند که نظر شعرا و عامه ایرانی در نظایر این مثال و تعبیرات به ترکان نژادی است نه همشهریان زردشت و فرزندان قطران و حسین خلف و نه به قسمت عمده قفقاز و بخش بزرگ از ترکستان امروزی که زبان ترکی را آموخته‌اند و به شهادت دقیق‌ترین تجسس‌های تاریخی و به گواهی دانش نژادشناسی، خالص‌ترین ایرانیان و بلکه خود اصل و ریشه تمام نژاد آریایی می‌باشند.» (دهخدا، ۱۳۶۳: ۸۲)

از فرودهای دیگر امثال و حکم عدم ضبط و ثبت مثل‌های مشهور و متداولی است که در بردارنده واژه مستهجن می‌باشد، این در حالی است که امانت‌داری در امر پژوهش ایجاب می‌کند، مثل‌های مورد استعمال بدون کم و کاست ضبط گردد. کاری که هبله رودی و بهمن‌یار با جسارتی که لازمه انجام این‌گونه خدمات فرهنگی و ادبی بوده انجام داده‌اند، مثل‌ها و حتی داستان‌های امثالی را که دارای واژه‌های آن چنانی بوده‌اند در اثر خود آورده‌اند. ملاحظه کاری یا محافظه‌کاری دهخدا به اندازه‌ای بوده که در برخی موارد هم که ضبط مثلی را لازم و ضروری می‌شمرده، بعضی از واژه‌های آن را تغییر داده و به جای واژه مستهجن از واژه دیگری استفاده نموده است به طور مثال در مثل: «برای مصلحت بوسه به دم خر نمی‌زنند» (دهخدا، ۱۳۶۳: ۴۲۳) به جای واژه «ک.ن.» واژه «دم» آورده است در حالی که سایر پژوهشگران در زمینه ادبیات عامه بیش از او در این زمینه به اصل امانت‌داری پای‌بند بوده‌اند. به طور نمونه: «برای مصلحت روزگار ک.ن. خر را می‌توان بوسید.» (بهمن‌یار، ۱۳۶۹: ۸۷) «برای مصلحت روزگار ک.ن. خر مردار می‌زند.» (هبله رودی) (ذوالفقاری، ۱۳۸۸: ۵۰۷) «برای مصلحت روزگار آدم باید در ک.ن. خره را هم ماچ کند.» (شاملو)، (همان).

ابریشمی در این مورد اذعان می‌کند: «مطالعه امثال و حکم نشان می‌دهد که دهخدا مردی بسیار متین و محجوب بوده و عفت کلام او مانع شده است که مثل‌های فارسی را که دارای واژه مستهجن است ضبط کند.» (ابریشمی، ۱۳۷۶: ۲۹) البته دهخدا ذیل مثل: «خر از یک سو

بز از یک سو.» به این نکته اشاره صریح کرده است که: سوزنی را در این مثل تمثلی زشت و ناستوده هست که رعایت عفت جوانان و زنان خواننده این کتاب را از نگاشتن نوع آن همیشه احتراز شده است.» (دهخدا، ۱۳۶۳: ۷۲۴) اگرچه همین عبارت روحیه و مشی دهخدا را در عدم ضبط از این دست مثل‌ها به خوبی نشان می‌دهد اما برخی به استناد مثل: «آدم با یک بار عمل زشت اهل آن عمل نشود» (دهخدا، ۱۳۶۳: ۲۲۲) و آنچه در ذیل آن آمده است: «مثلی زشت که با عبارتی زشت‌تر نیز گاهی ادا کنند و مراد تشجیع به عادات سوء است. البته حقیقت بر خلاف این است چه رعب و آزر در ارتکاب نخستین غالباً زایل تواند شد.» (همان) چنین گفته‌اند که این مثل از ساخته‌های اوست و چون به صورت تلمیح به اصل داستان اشاره کرده، پس نشان دهنده این است که دهخدا به ضبط این گونه مثل‌ها علاقه داشته ولی نیرویی پنهانی او را از این عمل باز داشته است.» (ابریشمی، ۱۳۷۶، ص ۳۰)

اگر چه امانت‌داری مهم‌ترین اصل در امر پژوهش خصوصاً ادبیات عامه می‌باشد ولی دهخدا نلغزیدن از جاده عفت و از کف ندادن عنان قلم را بر آن ترجیح داده است.

نکته‌بینان دیگری به دلیل آمیخته بودن امثال و حکم با اصطلاحات و کنایات اظهار نظر نموده‌اند که با توجه به عنوان کتاب که «امثال و حکم» است در طی آن اصطلاحات، کنایات، اخبار و احادیثی که از جنس مثل نمی‌باشند به طور عدیده استفاده شده است، در پاسخ به این فرود می‌توان به آن چه که دکتر معین در این باره نوشته اکتفا کرد: «دهخدا به نگارنده اظهار داشت، من متوجه این نکته بودم ولی از انتخاب عنوانی مطول نظیر «امثال و حکم و مصطلحات و کنایات و اخبار و احادیث...» خودداری و به عنوان ساده «امثال و حکم» اکتفا کردم، راه دیگر هم حذف اصطلاحات و کنایات و غیره بوده که اگر استاد بدین کار دست می‌یازید، خوانندگان کتاب خود را از فواید بسیار محروم می‌کرد. (دهخدا، ۱۳۷۷: ۳۷۴)

نتیجه

طرح چنین فرودهایی از امثال و حکم و کندوکاو در زوایای این اثر بی‌نظیر نه تنها ذره‌ای از ارزش و اعتبار آن نمی‌کاهد بلکه آن را زیباتر و پاکیزه‌تر بر منصفه ظهور می‌نشانند چون با هر

نگارش و مرقوم کردن عبارات درباره ابهامات این کتاب، سوء تفاهم‌ها برطرف گردیده و با بیان دیدگاه‌های متفاوت از فرودهای ظاهری آن نیز زدوده خواهد شد اگر چه فرازها و محاسنش آن چنان ارزشمند است که دهخدا و اثرش را تا ابد جاودانه خواهد نمود و آیندگان به دیده تحسین به آن خواهند نگرست و بر روح پر فتوح خالق این اثر درود خواهند فرستاد.

منابع و مآخذ

- ۱ - ابریشمی. احمد. فرهنگ نوین گزیده مثل‌های فارسی. انتشارات زیور، چاپ اول، تابستان ۱۳۷۷.
- ۲ - پژوهش عمومی فرهنگ عامه. انتشارات توس، چاپ اول، ۱۳۸۰.
- ۳ - دکتر ذوالفقاری. حسن. داستان‌های امثال. انتشارات مازیار، چاپ دوم، ۱۳۸۵.
- ۴ - _____ . فرهنگ بزرگ ضرب المثل‌های فارسی. ۲ جلد، انتشارات معین، چاپ اول ۱۳۸۸.
- ۵ - دکتر شکورزاده بلوری. ابراهیم. دوازده هزار مثل فارسی و سی هزار معادل آنها. انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، ۱۳۸۰.
- ۶ - دهخدا. علی اکبر. امثال و حکم. ۴ جلد، انتشارات امیر کبیر، چاپ ششم، ۱۳۶۳.
- ۷ - _____ . لغت‌نامه دهخدا. موسسه انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم، از دوره جدید ۱۳۷۷.
- ۸ - سید دبیر سیاقی. محمد. گزیده امثال و حکم دهخدا. تهران: تیراژه، ۱۳۶۸.
- ۹ - سپیک. ییری. ادبیات فولکلور ایران. ترجمه محمد اخگری، انتشارات سروش، چاپ دوم، ۱۳۸۸.
- ۱۰ - میهن دوست. محسن. داستان نامه بهمن‌یاری. احمد بهمن‌یار به کوشش فریدون بهمن‌یار، انتشارات دانشگاه تهران، مهر، ۱۳۶۹.